

نفی جبر و قول به اختیار در آموزه‌های معتزله

معتزله قائل به تفویض‌اند و بر این اساس، انسان موجودی مختار آفریده شده و افعال او به خود وی واگذار شده است که این باور تبعات اجتماعی خاصی دارد.



معتزله قائل به تفویض‌اند و بر این اساس، انسان موجودی مختار آفریده شده و افعال او به خود وی واگذار شده است که این باور تبعات اجتماعی خاصی دارد.

معتزلیان، در دوره مامون عباسی جریان فکری غالب جهان اسلام بودند. اما با روی کار آمدن متوکل عباسی عرصه بر آنها تنگ می‌شود و از آن به بعد جریان اشعری غالب می‌شود. پیش از این تاریخ در منازعه معاویه با امام علی(ع) گروهی به این عنوان خوانده شدند، اما آنان صرفاً به کناره‌گیری از این منازعه اقدام کردند و بیشتر موضع سیاسی داشتند. اما معتزله کلامی، از «واصل بن عطا» آغاز می‌شود و بعدها عالمان اعتزالی دیگر آن را ادامه می‌دهند. مهم‌ترین ویژگی معتزله را می‌توان عقل‌گرایی دانست معتزلیان با تمسک به عقل درصدد تبیین اعتقادات دینی و آموزه‌های اسلامی برآمدند.

آموزه‌های مهم کلام سیاسی معتزله

مهم‌ترین آموزه‌های سیاسی معتزله را می‌توان در این اصول 5گانه تحلیل و توضیح داد. نخستین تاکید معتزله بر ضرورت عقلی تشکیل حکومت و وجوب نصب امام برای امت اسلامی است. معتزلیان معتقدند که از جانب شارع، بر شخصی به عنوان امام تصریح نشده است، اما تعیین امام به ضرورت عقلی بر مردم واجب است.

قاضی عبدالجبار در تشریح مفهوم امام در نظریه امامت معتزله، آن را با امر و حکام و عمال حکومتی مقایسه می‌کند، بدین جهت انتخاب را شیوه‌ای مشروع برای نصب امام قرار داده‌اند و معتقدند نصب در مورد امامت وجود ندارد که تبعیت شود و امر واجب در آن انتخاب است. از نظر آنان صحابه پیامبر اسلام(ص) نیز اختلافی در شیوه امامت که انتخاب و بیعت است نکرده‌اند و احوال صحابه بر این وجه جاری بوده است.

مبنای دیدگاه معتزله در نصب امام تامین نیاز مردم به برقراری نظم و انصاف در جامعه است. بر این اساس، «ابی بکر اصم» در موضعی افراطی و شاذ در میان معتزله به امکان الغای حکومت و دولت و بی‌نیازی از امام در صورت تامین آن بدون امام رای داده است.

متکلمان معتزلی با پذیرش اصل انتخاب حاکم از سوی مردم، خلافت خلفای راشدین را پذیرفته و آن را معتبر دانستند. عموم معتزله معتقد بودند که امام پس از پیامبر(ص) به ابوبکر، عمر، عثمان و امام علی(ع) سپرده شده است و امت پس از ایشان هر که را بخواهد بر می‌گزینند. البته دیدگاه‌هایی در مورد برتری امام علی(ع) مطرح شده است.

قول به جواز امامت مفصول با وجود افضل از این قبیل است. همچنین مناقشاتی در صفات و ویژگی‌های امام صورت گرفته است؛ برای نمونه، برخی معتزلیان به عدم اشتراط قریشی بودن امام رفته‌اند. قاضی عبدالجبار معتزلی مسئله امامت را به اصل امر به معروف و نهی از منکر ارجاع داده است از این لحاظ اهمیت سیاسی-اجتماعی امر به معروف کاملاً برجسته می‌شود.

نفی جبر و قول به اختیار در آموزه‌های سیاسی معتزله

نفی جبر و قول به اختیار انسان در افعال خود از دیگر آموزه‌های کلامی معتزله است که صبغه سیاسی نیز می‌یابد. در مقابل جریان جبرگرایی «مجبیره» و «اهل حدیث»، معتزله قول به اختیار را یکی از اعتقادات خود قرار داد. بر این اساس چنین اعتقادی گفته شده است که معتزله قائل به تفویض‌اند. از این منظر انسان موجودی مختار آفریده شده و افعال او به خود وی واگذار شده است. انسان‌ها در ذات و خلقت خویش نیازمند خداوند تبارک و تعالی هستند، اما در افعال خود مستقل‌اند. چنین اعتقادی تبعات جدی‌ای نیز در عرصه سیاست داشت در صورتی که قول به اختیار کامل برای انسان پذیرفته شود عرصه آزادی وی بسیار گسترده‌تر می‌شود در کنار عقل‌گرایی، این اصل زمینه حضور فعال فرد در عرصه سیاسی را فراهم می‌کند. البته این آزادی و اختیار عمل را نمی‌توان به صورت کامل به معتزله نسبت داد. از نظر معتزلیان شریعت الهی و عقل بشری، برای تامین سعادت انسان با یکدیگر تعاضد دارند و طبق قاعده لطف تکالیف شرعی در تکالیف عقلی لطف محسوب می‌شود.

اعتقاد به حق بودن یکی از طرفین درگیر در نزاع جمل و صفین از دیگر اعتقادات معتزله است، هر چند جریان اعتزال سیاسی مستقیماً در قبال جنگ‌های جمل و صفین شکل گرفت، اما بعدها اعتزال کلامی نیز در تحلیل و موضع‌گیری این حوادث، به ناحق بودن یکی از دو طرفین حکم داده است.

تکلیف بما لایطاق از نظر معتزله قبیح است. این حکم که یکی از اصول کلام عدلیه نیز به شمار می‌رود، از فروع مسئله عدل بوده و مستلزم آن است که تکالیف سیاسی، اجتماعی شرعی نیز به نوعی با توان و نیازهای انسان هماهنگ باشد. این اصل با آموزه «حسن و قبح» و انتظارات بشر از دین تناسب دارد. نبوت و تکالیف شرعی نیز بر اساس لطف الهی اثبات می‌شود.

بر اساس این قاعده، هر آنچه انجام آن برای نزدیک شدن مکلف به انجام فعل لازم است، بر خداوند واجب است. معتزله این دیدگاه را با ارائه اصلی جدید تبیین کردند. از نظر آنان برخلاف خوارج فرد عاصی از دین خارج نمی‌شود و نمی‌توان گفت که گناهان به ایمان فرد مضر نیست، بلکه از نظر آنان گناهکار نه مومن است و نه کافر پس نمی‌توان صرف انجام گناه، فردی را از حقوق فردی و اجتماعی او محروم کرد.

محوریت امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک اصل اعتقادی در نزد معتزله بیانگر اهتمام آنها در عرصه سیاسی و اجتماعی است. این امر از یک سو موجب مبارزه علیه ظلم و بی‌عدالتی می‌شود و نظارت و کنترل قدرت سیاسی را لازم می‌آورد و از سوی دیگر موجب ظلم و بی‌عدالتی می‌شود و نظارت و کنترل قدرت سیاسی را لازم می‌آورد و از سوی دیگر، موجب گسترش و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی- دینی می‌شود.

قاضی عبدالجبار در اهمیت این اصل به قیام امام حسین(ع) اشاره می‌کند و می‌نویسد: «و به این خاطر است که به حسین بن علی بر دیگر امم مباحات می‌کنیم و می‌گوییم که از فرزندان پیامبر جز سبط واحد نمانده بود، اما امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکرد و در این راه جان خود را نثار کرد».